

۱۱۹۵۶۹۸

نکته‌ها

در قانون آیین دادرسی کیفری

دکتر علی خالقی

معاونات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی
دانشگاه تهران

متن کامل تطبیق و تصحیح شده

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴

به همراه بیش از هزار نکته درباره مواد آن



مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی

تهران - ۱۳۹۳

سرشناسه	خالقی، علی، ۱۳۴۶-
عنوان و نام پدیدآور	نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری/ تألیف علی خالقی.
مشخصات نشر	تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	ص. ۴۶۴.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۰۷۷-۴۷-۴
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
یادداشت	نمایه.
موضوع	آیین دادرسی جزایی- ایران.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۳ ن ۲۴ خ/ ۴۶۱۰ KMH
رده‌بندی دیویی	۳۴۵/۵۵۰۵

هرگونه تکثیر این اثر از طریق ارسال یا بارگذاری فایل الکترونیکی، یا چاپ و نشر آن بدون مجوز ناشر، به هر شکل، اعم از فایل، سی‌دی، افست، ریسوگراف، فتوکپی، زیراکس یا وسایل مشابه، به صورت متن کامل یا صفحاتی از آن، تحت هر نام اعم از کتاب، راهنما، جزوه، یا وسیله کمک آموزشی، در فضای واقعی یا مجازی، و همچنین توزیع، فروش، عرضه یا ارسال اثری که بدون مجوز ناشر تولید شده، موجب پیگرد قانونی است.

عنوان	نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری
مؤلف	دکتر علی خالقی
ناشر	مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش
نوبت چاپ	اول
تاریخ چاپ	شهریور ۱۳۹۳
شمارگان	۵۰۰۰ نسخه
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۰۷۷-۴۷-۴
قیمت (با جلد سخت)	۲۲۰۰۰ تومان



از پدر گر قالب تن یافتیم
از معلم جان روشن یافتیم

تقدیر به :

روان پاک پدرم مرحوم عبدالله خالقی
و روح بلند استادم شادروان دکتر ناصر کاتوزیان

در آخرین ماه زمستان گذشته و در واپسین ماه تابستان جاری، درگذشت دو عزیز گرانقدر یعنی پدر و معلم نویسنده، او را از دو نعمت بزرگ خود محروم ساخت. نخست مرحوم عبدالله خالقی - که عمری را به سادگی زیست و همواره فرزند خود را به دلیل ورود در وادی حقوق، به اهتمام در اعقاق «حق» و پرهیز از التباس آن به باطل سقارش می نمود - در اسفند ۱۳۹۲ از این جهان رفت بر بست و به دیدار حق شتافت. سپس، شادروان دکتر ناصر کاتوزیان - که عمری را به تلاش علمی در این مرز و بوم سپری نمود و پیوسته دانشجویان خود را به تلاش در راه «عدالت» دعوت می نمود و خود را نیز سرباز عدالت می خواند - در شهریور ۱۳۹۳ چشم از جهان فرو بست و جان به جان آفرین تسلیم نمود. اگر چه نام نویسنده هیچ گاه در فهرست اسامی دانشجویان کلاس استاد نبوده، اما بی شک نامش در شمار نامفرد فوخته پیثان فرمن دانش استاد از کتاب های ارزشمندشان بوده است. در آن زمان، استاد که به ناروا از تدریس محروم شده بود و به اجبار خانه نشین، فرصت را مغتنم شمرده، کتاب هایی تألیف نمود که شیفتگان علم حقوق را از دانش گسترده خود بهره مند

سافت. در آن هنگام - که نویسنده در حال تفصیل در دوره کارشناسی حقوق دانشگاه تهران بود - این کتاب‌ها توانست به خوبی مفه‌ور علمی استاد را به رغم غیبت قه‌وری ایشان در محیط‌های دانشگاهی تأمین نماید و دانشجویان بسیاری را پرورش دهد. به خوبی به یاد دارم روزهایی را از آن دوران که تنها برای اثبات مفه‌ور خود در کلاس و ثبت آن بر جریده‌ی پرفی دروس عمومی دانشکده، در انتهای کلاس جای می‌گرفتم و دل در جای دیگر داشتم؛ کتاب استاد را در سنگر سافت از پیکر دانشجوی دیگر پنهان کرده و با دقت و علاقه بسیار می‌خواندم. بخش‌های زیادی از کتاب‌های قواعد عمومی قراردادها، مسئولیت مدنی، حقوق اموال، حقوق خانواده و حقوق انتقالی در همین سنگرها خوانده شد و کلام استاد بدون مفه‌ور خودش، از طریق قلم متین و نافذ به کار رفته در کتاب‌های او به گرمی بر دل این نویسنده نشست. باری، برای آموختن و تاثیرگذار بودن نیازی به اتاق و تخته و میز و صندلی نیست که استادان مدتی از اینها محروم بود و به خوبی آموخت و به نیکی تاثیر گذاشت.

سخن ناشر

توسعه ادبیات حقوقی در هر کشور، نقش مهمی در پیشرفت نظام حقوقی آن کشور ایفا می‌نماید. اندیشمندان و پژوهشگران دنیای بیکران حقوق، که شیفته نظم‌اند و سرباز عدالت، آموزه‌های علمی و تجارب عملی خویش را به جامعه حقوقی عرضه می‌دارند تا بتوانند در تثبیت و تنویر نظم اجتماعی و استقرار عدالت و اصلاح و پیشرفت کشور سهم‌گرددند.

قانونگذار فهیم و آگاه، هیچ‌گاه در مقام تهیه پیش‌نویس و مهیا شدن جهت وضع قانون، خود را بی‌نیاز از ادبیات و دکترین حقوقی کشور و مشورت با خبرگان نخواهد یافت، و هیچ‌گاه مصوبات قبلی خویش را دائمی و مصون از نقد و اصلاح قلمداد نخواهد نمود. قضات متخصص و عدالت‌پیشه نیز نقد علمی و منصفانه آرای خود را مایه تکامل و پیشرفت می‌دانند.

دانشکده‌های حقوق و حوزه‌های علمیه که به مأموریت خطیر تربیت قضات، وکلا، مشاوران حقوقی، سردفتران، پژوهشگران، و اساتید حقوق و فقه همت می‌گمارند علاوه بر اینکه از آموزه‌های علمی و قضایی کشور بسیار بهره می‌برند متقابلاً رسالت مهمی در غنی‌سازی ادبیات و دکترین حقوقی کشور برعهده دارند.

جمهوری اسلامی ایران به ویژه در دو دهه اخیر پیشرفت قابل توجهی در توسعه کمی ادبیات حقوقی کشور را شاهد بوده است. تعداد کتب و نشریات حقوقی منتشره در کشور طی بیست سال اخیر، به نسبت گذشته به مراتب افزایش یافته است. این دستاورد را باید به فال نیک گرفت و امیدوار بود که این پیشرفت کمی به همین میزان با توسعه‌ای کیفی در بارور شدن دکترین حقوقی مورد نیاز کشور همراه باشد و با احترام به حقوق مالکیت فکری دیگران انتشار یابد.

انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش که همواره سعی داشته است علاوه بر انتشار آثار حاصل از تحقیقات پژوهشکده حقوق، به صورتی هدفمند و با ارزیابی علمی به گزینش و چاپ و انتشار کتابهای حقوقی در حوزه‌ها و موضوعات مورد نیاز جامعه حقوقی کشور مبادرت ورزد، زحمات جناب آقای دکتر علی خالقی در تألیف کتاب «نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری» را ارج نهاده، امیدوار است این کتاب مورد استقبال جامعه حقوقی کشور و مورد استفاده متولیان امر قرار گیرد.

وحید اشتیاق

پیشگفتار

سرانجام در واپسین روزهای سال ۱۳۹۲، قانون جدید آیین دادرسی کیفری متناسب با نظام دادرسی برخوردار از دادسرا به تصویب رسید تا جایگزین قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ شود، که در دوران حذف دادسراها از نظام قضایی ایران به طور آزمایشی به تصویب رسیده بود. اگر چه به منظور شناخت کاستی‌های قانون مذکور یک دوره سه‌ساله برای اجرای آزمایشی آن در نظر گرفته شده بود، اما عملاً قانونگذار چهارده سال زمان در اختیار گرفت تا قانون جدید را تصویب و جایگزین قانونی کند که پی در پی اعتبار آن را تمدید می‌نمود. بدین ترتیب، کفایت اجرای آزمایشی قانون و لزوم تصویب قانونی دائمی که پاسخگوی نیازهای روز باشد، انتظاری بجا و معقول به نظر می‌رسید، اما در عین حال، لزوم تصویب قوانین دائمی در صحن علنی مجلس از یکسو، و طولانی و تخصصی بودن لایحه آیین دادرسی کیفری از سوی دیگر، سبب شد که مجلس شورای اسلامی این لایحه را نیز از صحن علنی به کمیسیون قضایی و حقوقی خود کشانده، بار دیگر مهر اجرای آزمایشی بر آن نهد. بنابر این، اکنون همچنان با قانونی مواجهیم که ویژگی دائمی نداشته، بر حسب ضرورت برای مدت محدود سه ساله به تصویب رسیده و قرار است بعداً جای خود را به قانونی دائمی دهد.

از نظر زمانی، نخستین اقدامات برای تدوین پیش‌نویس قانون حاضر، به سال ۱۳۷۹ برمی‌گردد که دادگستری استان تهران جمععی از قضات دادگستری را بدین منظور تعیین و مأمور این کار نمود. اندکی بعد، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه نیز با بهره‌گیری از پژوهشگران جوان شاغل به تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی، در این راه گام نهاد و مطالعاتی را در این زمینه آغاز نمود. از آنجا که به طور

همزمان، دو اقدام موازی در تدوین پیش‌نویس قانون در حال انجام بود، در مقطعی تصمیم به وحدت عمل و تمرکز بر روی متن تهیه شده در معاونت مذکور گرفته شد. در عین حال تلاش شد که با تنقیح قوانین متعدد و پراکنده مربوط به آیین دادرسی کیفری، قانون جدید، قانونی جامع و دربردارنده مقررات پراکنده‌ای باشد که در قوانین خاص آمده‌اند تا یک متن مرجع جهت اجراء در اختیار مقامات قضایی قرار گیرد. سرانجام لایحه‌ای که در قوه قضائیه تهیه شد در شهریور ۱۳۸۶ به هیأت دولت و در دی ماه ۱۳۸۷ توسط دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردید. به دلایلی که ذکر آن رفت، بررسی و تصویب لایحه مورد بحث به کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس واگذار گردید که پس از چند بار تصویب و اصلاح در کمیسیون برای تأمین نظر شورای نگهبان، سرانجام در تاریخ ۹۲/۱۲/۴ به تصویب نهایی کمیسیون و در تاریخ ۹۲/۱۲/۲۶ به تأیید شورای نگهبان رسید و در روزنامه رسمی شماره ۲۰۱۳۵ مورخ ۹۳/۲/۳ منتشر شد.

قانون جدید، که حسب شنیده‌ها در مقاطعی از مراحل تهیه و تصویب آن از برخی اساتید دانشگاه نیز دعوت به عمل آمده، با مبنا قرار دادن قانون پیشین و تجارب داخلی از یکسو و الهام گرفتن از قوانین خارجی به ویژه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۹۵۹ فرانسه و اصلاحات بعدی آن از سوی دیگر، حاوی نوآوری‌های بسیاری در تشکیلات و سازمان قضایی، نهادهای دخیل در فرایند کیفری و وظایف و اختیارات آنهاست. در مرحله کشف جرم و در مورد وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری، مقررات نسبتاً مفصلی با رویکرد حقوق بشری به این مرحله، به ویژه نسبت به تحت‌نظر قرار دادن متهم در این مقطع، تدوین گردیده است (مواد ۲۸ تا ۶۳). مواد متعددی چتر حمایت قانون را بر سر متهم تحت‌نظر گسترانیده و برای نخستین بار لزوم حضور وکیل را در کنار او مقرر نموده‌اند (مواد ۴۶ تا ۵۳).

در آنچه مربوط به سازمان دادسرا می‌شود، تفکیک وظایف تعقیب و تحقیق و اختصاص هر یک از این دو امر به یکی از مقامات دادسرا به عنوان یک اصل پذیرفته شده و مانع از انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادستان و دادیار شده است. از اینرو، با وجود بازپرس در تشکیلات دادسرا، دادستان به عنوان مقام تعقیب مجاز به در دست گرفتن سکان تحقیق نخواهد بود (ماده ۹۲). نحوه تعامل و روابط میان این دو نیز به سوی استقلال بیشتر بازپرس و عدم لزوم تبعیت او از نظر دادستان تنظیم شده است (ماده ۲۶۹). در همین مرحله، به منظور مشارکت دادن سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری، جایگاه آنها از یک اعلام کننده ساده به یک عنصر فعال در دادرسی ارتقاء یافته، امکان تقاضای تعقیب کیفری، پیگیری و حضور در فرایند کیفری و حتی اعتراض به حکم صادر شده در مورد متهم، به آنها اعطاء شده است (ماده ۶۶). همچنین، با ایجاد تحول در نهادهای سابق یا تأسیس نهادهای جدید، اختیارات دادستان و بازپرس با هدف کاستن از تعداد پرونده‌های ارسالی به دادگاه، افزایش یافته است به گونه‌ای که می‌توان از آنها به عنوان جایگزین‌های تعقیب کیفری در راستای اصل موقعیت داشتن یا مناسب بودن تعقیب نام برد (ترک تعقیب، بایگانی پرونده، تعلیق تعقیب، اعطای مهلت به متهم و ارجاع به میانجیگری - مواد ۷۹ تا ۸۲). قرارهای تأمین با هدف افزایش حق انتخاب بازپرس و محدود ساختن توسل به بازداشت موقت، متنوع شده و قرارهای نظارت قضایی نیز به آنها افزوده شده است (مواد ۲۱۷ و ۲۴۷). در همین راستا، قرار بازداشت موقت الزامی از نظام دادرسی عمومی رخت بر بسته (تبصره ماده ۲۳۷) و لزوم جبران خسارت ناشی از بازداشت متهمان بی‌گناه برای نخستین بار به روشنی مقرر شده است (ماده ۲۵۵).

در مرحله دادرسی، مهمترین اصلاحات متوجه صلاحیت دادگاه‌ها و ترکیب آنها شده است. از یکسو، دادگاه‌های کیفری یک و دو که در سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۳ در سازمان قضایی ایران فعالیت داشتند، مجدداً

تأسیس و با اندک تغییری جایگزین دادگاه‌های کیفری استان و عمومی جزایی شدند (تبصره ۳ ماده ۲۹۶). از سوی دیگر، دادگاه‌های انقلاب، که پیش از این در رسیدگی به جرائم مهمی که برخی از آنها سلب حیات مرتکب را در پی داشت از شیوه خطرناک وحدت قاضی تبعیت می‌نمودند، ملزم شدند که برای رسیدگی به برخی جرائم داخل در صلاحیت خود نظام تعدد قضات را رعایت نمایند (ماده ۲۹۷). دادگاه‌های اطفال و نوجوانان نیز که وجود آنها ضرورتی انکارناپذیر برای رسیدگی به جرائم این دسته از افراد است، نه تنها حفظ شدند، بلکه جایگاه آنها از دادگاهی تخصصی که شعبه فرعی دادگاه‌های عمومی بود به دادگاهی اختصاصی تغییر یافت (ماده ۳۰۴). در مقام رسیدگی به اعتراض به احکام دادگاه‌ها نیز، همچنان دو مرجع (دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور) پیش‌بینی شده، اما ملاک تقسیم صلاحیت میان این دو مرجع تغییر یافته است. به دیگر سخن، بر خلاف گذشته که برای تشخیص مرجع تجدیدنظر، توجه به مرجع صادرکننده حکم بدوی لازم بود (دادگاه عمومی جزایی به دادگاه تجدیدنظر استان؛ دادگاه کیفری استان به دیوان عالی کشور) در قانون جدید برای تشخیص مرجع مزبور باید به مجازات قانونی مقرر برای عمل متهم توجه نمود (مواد ۴۲۶ و ۴۲۸)، یعنی ملاکی که در ق.آ.د.ک ۷۸ اتخاذ شده بود.

قانون جدید همچنین بخش مجزا و نسبتاً مفصلی نیز در مورد اجرای احکام کیفری دارد (مواد ۴۸۴ تا ۵۵۸). در دادرسی، معاونت اجرای احکام کیفری ایجاد می‌شود که ریاست آن بر عهده دادستان خواهد بود و در آن قاضی اجرای احکام کیفری با سه سال سابقه قضایی به جای دادیار اجرای احکام، به همراه مددکار اجتماعی، مأمور اجراء و مأمور مراقبتی انجام وظیفه خواهند نمود (مواد ۴۸۴ و ۴۸۵). نحوه اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی با جزئیات بیشتری در این قانون روشن شده است.

در مجموع می‌توان گفت که قانون جدید آیین دادرسی کیفری با در هم آمیختن تجارب داخلی و آموزه‌های نوین الهام گرفته از حقوق خارجی، قانونی به مراتب بهتر از قوانین قبلی است که در آن هم نهادهای دیرین تجربه‌شده در کشور و هم نهادهای برگرفته از اندیشه‌های نو در این حوزه، دیده می‌شود. بدون تردید از قانونی که پس از سال‌ها صرف وقت و هزینه، در هزاره سوم میلادی به تصویب رسیده چنین انتظاری نیز وجود داشت، اما معایب و اشکالاتی نیز در این قانون به چشم می‌خورد که در صفحات آینده در زیر مواد موردنظر به آنها اشاره خواهد شد. قطع نظر از این اشکالات خاص و موردی که متوجه مواد معینی از قانون است، مهمترین چالش پیش‌رو بستر لازم برای اجرای آن است. اجرای بخش‌هایی از قانون نیازمند امکانات مادی و اجرایی، و اجرای بخش‌های دیگری از آن مستلزم آموزش و آگاهی است. مواد متعددی از قانون نیز حاوی فرمان تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی این مواد ظرف مدت خوش‌بینانه سه یا شش ماهه توسط قوه قضائیه است. بر اساس ماده ۵۶۹ قانون جدید: «این قانون شش ماه پس از انتشار در روزنامه رسمی لازم‌الاجراء می‌شود.» سالها قبل، به مناسبت تصویب قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در ۸۱/۷/۲۸ که به تشکیل مجدد دادسراها و تفکیک دوباره صلاحیت دادگاه‌های حقوقی و کیفری انجامید، نوشتیم: «اجرای این قانون که با تأسیس دادسراها و تفکیک دادگاه‌ها به حقوقی و جزایی، دگرگونی بزرگی در سازمان کنونی دستگاه قضایی ما ایجاد می‌کند، در آغاز مشکلاتی را برای مقامات اجراءکننده در پی خواهد داشت. معمولاً در مورد قوانینی با این اهمیت، متن قانون در میزگردهای علمی و مقالات حقوقی مورد نقد قرار می‌گیرد تا نقاط ضعف و قوت آن آشکار گردد. از این رهگذر، چراغی برای تاریکی‌های قانون برافروخته می‌شود و قوه قضائیه برای اجرای آن آماده می‌گردد. این آمادگی از طرفی مربوط به قضات دادگاه‌هاست که لازم است با آیین دادرسی نوین آشنا گردند و از طرف دیگر مربوط به امکانات و

تجهیزات مالی و اداری لازم برای اجرای قانون جدید است. مهمترین نیاز دادگستری کشور هم بودجه لازم برای اجرای این قانون است... بدین ترتیب، شایسته است که در مورد چنین قوانینی، قانونگذار با استفاده از حقی که برای خود در انتهای ماده ۲ قانون مدنی^۱ محفوظ داشته، و با پیش‌بینی فرصت لازم برای این تمهیدات، اجرای آنها را مثلاً به شش ماه یا یک سال پس از انتشار متن قانون در روزنامه رسمی موکول نماید.» (مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۲، ص ۲۹۷)

اگر چه قانونگذار پیام فوق را دیر هنگام دریافت نمود و می‌توانست آن را در مورد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز به کار ببرد، اما با این حال، رعایت آن در مورد قانون جدید آیین دادرسی کیفری را نیز باید ستود و حتی می‌توان گفت که با توجه به تعداد زیاد مواد این قانون و نوآوری‌های فراوان آن، پیش‌بینی مهلت یک‌ساله برای اجرای آن نیز مناسب‌تر به نظر می‌رسید. خبری را هم که در تیر ماه سال جاری توسط خبرگزاری‌های مختلف منتشر شد باید در همین راستا ارزیابی نمود، مبنی بر اینکه رئیس قوه قضائیه در ملاقات با اعضای کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس، با تأکید بر لزوم آماده شدن این قوه برای اجرای قانون جدید، خواستار به تعویق افتادن اجرای آن به تاریخی در سال ۱۳۹۴ شده است. درخواستی که البته باید با تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان اجابت گردد.

به هر حال، تا زمان لازم‌الاجراء شدن قانون جدید هنوز مدتی باقی است و در این فرصت لازم است که همگان، به ویژه قضات، وکلا، دانشجویان و داوطلبان شرکت در آزمون‌های مختلف تحصیلی و شغلی از مفاد آن آگاه و با مقررات آن آشنا شوند. به منظور ارائه کمکی اندک در تأمین این هدف، نویسنده که قبلاً کتاب «آیین دادرسی کیفری» را به بیست و پنجمین چاپ خود رسانده، پیش از تجدیدنظر اساسی در آن

۱. مطابق این ماده: «قوانین پانزده روز پس از انتشار، در سراسر کشور لازم‌الاجراء است، مگر

آنکه در خود قانون، ترتیب خاصی برای موقع اجراء مقرر شده باشد.»

کتاب و منطق ساختن آن با قانون جدید، نسبت به نگارش کتاب حاضر اهتمام ورزید. بنابر این، کتابی که خوانندگان عزیز در پیش روی دارند مکمل کتاب «آیین دادرسی کیفری» است و جایگزین آن نیست و نخواهد بود. آن کتاب ویژگی خود به عنوان یک کتاب درسی را حفظ خواهد کرد و به آموزش این رشته ادامه خواهد داد و این کتاب تنها حاوی بیان مهم‌ترین «نکته‌ها»ی قانون جدید برای کسانی است که آموزش این رشته را قبلاً فراگرفته و با آن آشنا هستند. بنابر این، هدف کتاب حاضر شرح و تحلیل مواد قانون یا نهادهای آیین دادرسی کیفری نیست، این امری است که در چارچوب یک تقسیم کار ساده به کتاب قبلی واگذار شده است. در واقع، هدف نویسنده این بوده است که با تجربه حاصل از سال‌ها تدریس لایحه قانون حاضر در مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها و دوره‌های آموزش ضمن خدمت قضات دادگستری تهران، و با آگاهی از ابهامات قانون و دشواری‌های عملی اجرای آن، نکته‌های قابل ذکر برای روشن شدن مفاد و مفهوم مواد قانونی را در ذیل هر ماده به نگارش درآورد تا کتاب حاضر راهنمای علمی- عملی اجرای قانون باشد. برای روشن‌تر شدن روش کار در این کتاب کافی است که به عنوان نمونه به «نکته»های ذکر شده در ذیل ماده ۱۳ توجه شود. این ماده حاوی بیان «موارد موقوف شدن تعقیب و مجازات متهم» است که معرفی هر یک از این موارد و آثار آنها مستلزم تفصیل مطلب در چندین صفحه است. این کار در ۵۶ صفحه در کتاب «آیین دادرسی کیفری» صورت گرفته و در اینجا تنها به ذکر «نکته‌ها»ی مهم و جدید حاصل از تغییر قانون اکتفاء شده است.

در راستای این روش، که رعایت ایجاز و اختصار و اکتفاء به ذکر «نکته»های مهم و ضروری یک ویژگی بارز آن است، از نقل مواد متعدد قوانین دیگر (جز در چند مورد) و گزارش نشست‌های قضایی برگزار شده در گوشه و کنار کشور خودداری شده است. بدیهی است که در صورت اعلام نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه، برخی از مهم‌ترین آنها،

و در صورت صدور آراء وحدت رویه قضایی، همه آنها به عنوان تفسیرهای قضایی در حکم قانون، در ذیل ماده مربوط ذکر خواهد شد. در عین حال، باید تأیید نمود که اشراف و تسلط بر ۵۷۰ ماده یک قانون امری دشوار و نیازمند ممارست فراوان است، به طوری که در صورت فقدان آن، ممکن است مفهوم یک ماده یا قلمرو حکم آن به خوبی درک نشود. برای کمک به تسریع در این روند، چنانچه ماده‌ای از قانون حاوی حکم عام یا مطلق باشد که به وسیله ماده یا مواد دیگر همین قانون مقید گردیده یا تخصیص خورده یا با آن در تعارض است، در زیر آن به ماده مقید یا مخصّص یا متعارض ارجاع داده شده و نحوه برقراری ارتباط میان آنها بیان شده است. باری، امید است که این کتاب نیز همچون کتاب «آیین دادرسی کیفری» مورد توجه خوانندگان گرامی آن قرار گیرد، کتابی که انتشار آن در پاییز ۱۳۸۷ سبب شد که راقم این سطور از آن زمان، دوستان مهربانی را از میان اساتید ارجمند، قضات گرامی، وکلای محترم و دانشجویان عزیز در شهرهای مختلف کشورمان که هر یک به نحوی نقطه نظرات یا محبت‌های خود را به وی ابراز داشته‌اند، بیابد و برای داشتن آنها به خود بیابد. از آنجا که این کتاب جزو نخستین کتابهایی است که بر اساس قانون جدید آیین دادرسی کیفری و قبل از لازم‌الاجراء شدن آن منتشر می‌شود، طبعاً کاستی‌هایی دارد که باید به تدریج در پرتو تفسیرهای حقوقی و رویه قضایی و حتی با لحاظ نکات شکلی مربوط به نحوه ارائه آن برطرف گردد. از اینرو، خوانندگان گرامی می‌توانند نقطه نظرات و پیشنهادهای خود برای رفع اشکالات کتاب را به نشانی codeadk@sdil.ac.ir ارسال نمایند تا نویسندگان بتوانند در جهت بهتر و کامل‌تر شدن اثری که برای آنها تهیه شده، اقدام نمایند.

نشان‌های اختصاری

ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ : قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری
مصوب ۱۳۷۸

ق.آ.د.ک ۱۲۹۱ : قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۱

ق.آ.د.م : قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب
۱۳۷۹

ق.ت.د.ع.ا : قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات
بعدی

قانون حقوق شهروندی : قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق
شهروندی مصوب ۱۳۸۳

ق.م.ا. ۷۵ : قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب
۱۳۷۵

ق.م.ا. ۹۲ : قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

نک : نگاه کنید به

فهرست مطالب

۲۳	کلیات	بخش اول
۲۳	تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن	فصل اول
۲۸	دعوی عمومی و دعوی خصوصی	فصل دوم
۴۴	کشف جرم و تحقیقات مقدماتی	بخش دوم
۴۴	دادسرا و حدود صلاحیت آن	فصل اول
۴۷	ضابطان دادگستری و تکالیف آنان	فصل دوم
۶۹	وظایف و اختیارات دادستان	فصل سوم
۹۲	وظایف و اختیارات بازپرس	فصل چهارم
۹۲	اختیارات بازپرس و حدود آن	مبحث اول
۱۱۴	صلاحیت بازپرس	مبحث دوم
۱۱۸	معاینه محل، تحقیق محلی، بازرسی و کارشناسی	فصل پنجم
۱۳۸	احضار و تحقیق از متهم، شهود و مطلعان	فصل ششم
۱۳۸	احضار، جلب و تحقیق از متهم	مبحث اول
۱۶۸	احضار و تحقیق از شهود و مطلعان	مبحث دوم
۱۷۷	قرارهای تأمین و نظارت قضایی	فصل هفتم
۲۲۹	اقدامات بازپرس و دادستان پس از ختم تحقیقات	فصل هشتم

۲۴۴	تحقیقات مقدماتی جرائم اطفال و نوجوانان	فصل نهم
۲۴۸	وظایف و اختیارات دادستان کل کشور	فصل دهم
۲۵۲	دادگاه‌های کیفری، رسیدگی و صدور رأی	بخش سوم
۲۵۲	تشکیلات و صلاحیت دادگاه‌های کیفری	فصل اول
۲۸۷	رسیدگی به ادله اثبات	فصل دوم
۲۹۱	رسیدگی در دادگاه‌های کیفری	فصل سوم
۲۹۱	کیفیت شروع به رسیدگی	مبحث اول
۳۰۴	ترتیب رسیدگی	مبحث دوم
۳۱۲	صدور رأی	مبحث سوم
۳۱۷	رسیدگی در دادگاه کیفری یک	فصل چهارم
۳۱۷	مقدمات رسیدگی	مبحث اول
۳۲۳	ترتیب رسیدگی	مبحث دوم
۳۲۵	صدور رأی	مبحث سوم
۳۲۷	رأی غیابی و واخواهی	فصل پنجم
۳۳۱	رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان	فصل ششم
۳۳۱	تشکیلات	مبحث اول
۳۳۲	ترتیب رسیدگی	مبحث دوم
۳۳۴	احاله	فصل هفتم
۳۳۶	رد دادرس	فصل هشتم

۳۴۰	اعتراض به آراء	بخش چهارم
۳۴۰	کلیات	فصل اول
۳۵۵	کیفیت رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان	فصل دوم
۳۶۴	کیفیت رسیدگی دیوان عالی کشور	فصل سوم
۳۷۶	اعاده دادرسی	فصل چهارم
۳۹۰	اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی	بخش پنجم
۳۹۰	کلیات	فصل اول
۴۰۳	اجرای مجازات حبس	فصل دوم
۴۱۲	اجرای محکومیت‌های مالی	فصل سوم
۴۲۱	اجرای سایر احکام کیفری	فصل چهارم
	اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی	فصل پنجم
۴۲۴	سامانه‌های الکترونیکی	
۴۳۰	هزینه دادرسی	بخش ششم
۴۳۵	سایر مقررات	بخش هفتم
۴۴۱		نمایه